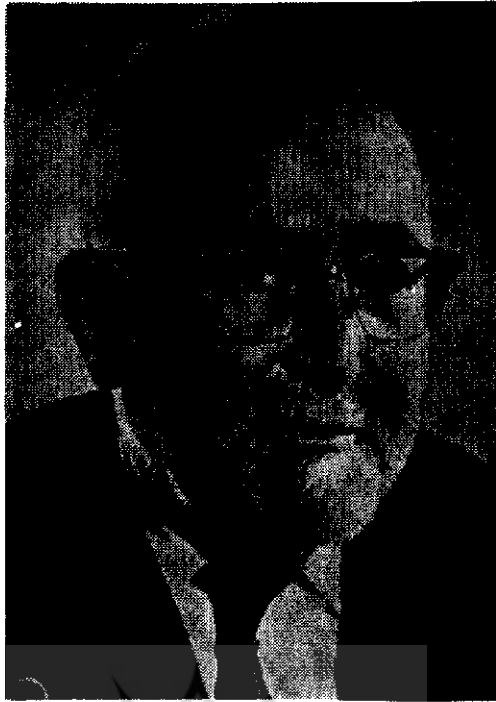


گوهرهای راز از دریای اندیشه صائب

و چند خاطره

سالها پیش هنگامیکه تماماً به تحصیل و تدریس اشتغال داشتم و نخستین چاپ «اشعار برگزیده صائب» همراه با مقدمه مبسوطی در شرح احوال شاعر و خصوصیات سبک معروف هندی که محصول چندین سال مطالعه و بررسی در زمینه مورد بحث بود و سالی چند پس از آن گلچینی از تک بیت‌های نغز این گوینده نکته‌سنج و سخنور دقیقه یاب که بر حسب موضوع ترتیب یافته بود انتشار یافت هنوز کسی از دوستان و آشنایان شعر و ادب فارسی جز به معدودی از خواص اهل ادب آشنایی و معرفتی به احوال شاعر و بطور کلی انسی با اشعار دوره صفویه نداشت سهل است که از نظر استادان و محققان طراز اول زمان اصولاً دوران طولانی صفویه دوران انحطاط ادبی محسوب می‌شد و به تبعیت از شیوه‌ای که از نیمه دوم قرن دوازدهم شروع و منجر به استقرار دوره بازگشت ادبی شده بود شعر دوران صفویه و طرز سخن شاعران آن زمان مطرود و مردود به شمار می‌رفت نتیجه این اعتقاد و سختگیری تعصب‌آمیز که تا حد عناد و لجاج ذهن مستنداران و قافله سالاران شعر و ادب را به خود مشغول داشته بود این بود که مدت دو قرن سبک هندی و آثار پیروان آن یک‌باره بدست فراموشی سپرده شود و دوران صفویه همچون حلقه مفقود از میان حلقات استوار و افتخارآمیز ادب فارسی حذف گردد به جرأت می‌توان گفت که تدریس ادبیات در دانشگاه‌های ما و بحث و مطالعه در تحولات و تطورات ادبی و آشنایی با سبکهای مختلف و دقت در زندگی و احوال شاعران غالباً از قرن ششم فراتر نمی‌رفت و گویی پس از آن زمان تا زمان حاضر جز مولانا و سعدی و حافظ دیگر از نظر ادبی



● بدیع الزمان فروزانفر

کسی و مسأله‌ای وجود نداشت که در خور بحث و غور و بررسی باشد و اگر احیاناً در زمینه ادبیات اعصار بعد خاصه دوره صفویه اشاره‌ای میرفت خالی از طعن و طنز نبود، در این صورت جای شگفتی نیست اگر دانشجویان رشته ادبیات که پس از فراغت از تحصیل غالباً به تدریس در مدراس می‌پرداختند و همچنین بیشتری از دوستان شعر و شاعری با شعر دوران صفویه بیگانه باشند و سبک هندی را بکلی مردود و ناپسند شمارند و ناآگاهانه آن را به باد انتقاد گیرند. به خاطر دارم یک سال در امتحانات نهایی رشته ادبی که سؤال در مورد ادبیات دوره صفویه بود و من نیز عهده‌دار تصحیح اوراق امتحانی بودم شاگردی نوشته بود «سبک مهوع هندی» آن بیچاره گناهی نداشت گناه از معلم ناآگاه او بود که بی‌آنکه صفحه‌ای از دیوان شعرای دوره صفویه را خوانده باشد به تقلید از استادان خود که آنان نیز در این مورد خاص بهتر از او نبودند ضمن تدریس این اندیشه نادرست و تعبیر زشت را به گوش شاگردان خود فرو خوانده بود، تا چهل و پنجاه سال پیش این بی‌لطفی و بی‌عنایتی نسبت به ادبیات و شعر و شاعری دو قرن از ادوار پر افتخار ادبی ما جنبه عمومیت داشت و کمتر کسی از دودمان شعر و ادب گوشه چشم عنایتی به ذخایر پر بار ادبی این عصر می‌گشود. جای تأسف است که با این که سالهاست دوران این‌گونه تعصبات سپری و توجه معقول و بی‌طرفانه‌ای نسبت به همه سبکها و ادوار گوناگون ادبی پیدا شده هنوز در گوشه و کنار هستند شاعران و شعر دوستانی که دست از عناد و لجاج بر نمی‌دارند و به سنت دیرین دم از مخالفت می‌زنند و احیاناً ناهماهنگی خود را به جریان روز دستمایه امتیاز



● طراحی از چهره بهار کار مرتضی ممیز

و حسن تشخیص و ذوق سلیم خود به شمار می‌آوردند، باری آشنایی من نیز با شعر دوره صفویه و این طرز خاص که از همان دوران تحصیل در کلاسهای متوسطه آغاز شد مرهون راهنمایی و اشاره معلمان من نبود بلکه صرفاً بر اثر یک تصادف انجام گرفت، آن ایام به سائقه اندک ذوق نظری و سوابق خانوادگی بیشتر وقت من به مطالعه دیوان‌های شعرا و انتخاب و حفظ اشعار آنان می‌گذشت از حسن تصادف منتخبات صائب که به همت مرحوم کمالی که سقاً باید وی را پیشتاز تجدید عهد با صائب و شکننده این طلسم دیرپای دو قرنی دانست به دستم افتاد و چنانکه در دیباچه اشعار برگزیده صائب نوشته‌ام مطالعه آن مرا به اصل دیوان چاپ سنگی هند رهنمون شد و به راستی جای خوشوقتی است که پس از انتشار دو کتاب یاد شده (اشعار برگزیده و گلچین صائب) و کوشش و پافشاری معدودی از ادیبان و شاعران گرانقدر که در گوشه و کنار و محافل ادبی و هر جا که فرصتی دست می‌داد به معرفی شاعران دوران صفویه و نقل اشعار آنان همت می‌گماشتند رفته‌رفته پرده استتار از جمال دلارای آن به یک سوزده شد و اینک می‌بینیم که به تلافی مافات بسیاری از اهل ادب چه در ایران و چه خارج از ایران به تحقیق و تتبع در آثار شعرای این دوره و خصوصاً سرخیل و قافله‌سالار و اسوه آنان صائب و چاپ و انتشار مکرر دیوان او پرداخته‌اند، از آن جمله‌اند استاد امیری فیروزکوهی دانشمند و محقق نامدار که تحقیقات و تتبعات استادانه ایشان ضمن دو مقدمه مستوفی و بسیار ارزنده بر دو دیوان صائب (چاپ سربی خیام و چاپ افست انجمن آثار ملی) هدیه بسیار گرانبهایی است که به دوستان

بر نظره که ریزد ز سیر ملک تو صائب
چون باز شناسی صدف گوهر از است

گم‌های راز

از دریای اندیشه صائب

تالیف و نگارش زین العابدین یونس



شعر و ادب فارسی و خاصه هواداران و آشنایان سبک صائب ارمغان شده است دیوانهای موجود صائب که در هند و ایران به چاپ رسیده شامل همه اشعار او نیست. چاپ خیام شامل حدود پانزده هزار و چاپ افست بیست هزار و چاپ نشر طلوع با مقدمه محمد عباسی قریب بیست هزار و چاپ هند بیست و چهار هزار بیت است. در حالی که اشعار صائب که در نسخه‌های متعدد خطی ضبط شده بیش از صد هزار بیت است. هم اکنون کسانی در ایران به جمع‌آوری کلیات او اشتغال دارند و در هند آقای دکتر یونس جعفری استاد دانشمند کالج دهلی پس از سالها کوشش و مطالعه به جمع‌آوری و تدوین کلیات اشعار صائب توفیق یافته و از چاپ جلد اول آن نیز که تنها شامل دریف‌های الف و باء و مجموعاً مشتمل بر بیش از ده هزار بیت است فراغت جسته است توفیق ایشان در ادامه این خدمت و چاپ مجلدات دیگر مورد آرزوی همه دوستداران شعر و ادب فارسی است.

در اینجا برای روشن شدن بیشتر موضوع و دگرگونی آشکاری که از نظر داوری در زمینه شعر سبک هندی پدید آمده است بی‌مورد نیست با عرض پوزش از خوانندگان گرامی به نقل خاطره‌ای از دوران تحصیل به پردازم، زبان گزافه‌گویی و جلوه‌فروشی و خودستایی بریده باد، کسانی که از نزدیک با من و آثار ناچیزی که شرمگینانه به ساحت ارباب ادب تقدیم داشته‌ام آشنا هستند می‌دانند که من در انزوای ادبی خود به هیچ نوع اهل تظاهر و خودنمایی نیستم و اصولاً شایستگی آن را هم ندارم، به گفته صائب که زبان حال و قال من است:

بسکه دارم انفعال از بی‌وجودیهای خویش آب‌گردم چون کسی از خاک بردارد مرا اما گاهی شرایطی پیش می‌آید و ضرورتی ایجاب می‌کند که شخص از نقل واقعه و یا ذکر مطلبی که احیاناً ممکن است متوهم نوعی خودستایی باشد ناگزیر است، سالها پیش در دوران تحصیل دو بار توفیق دیدار و گفتار و کسب فیض از محضر دو تن از اکابر گردنکشان نظم و نثر و استادان به نام عصر که بنا به احترام قلبی از ذکر نامشان معذورم^۱ دست داد، در پایان سال تحصیلی ۱۳۱۸ یا ۱۹ که آن هنگام مشغول گذراندن رشته زبان انگلیسی در دانشسرای عالی بودم جلسه امتحان با شرکت آن دو استاد بزرگ تشکیل شده بود و دانشجویان یکایک با ترس و اضطراب در برابر استادان قرار می‌گرفتند تا نوبت به دانشجویی حقیر و گمنام که در همان ایام به تدریس نیز اشتغال داشت رسید. نمی‌دانم چه پیش آمد که موضوع از پرسش و پاسخ که روش معهود جلسات امتحانی است به بحث و گفتگو انجامید، بحث در باب سبک هندی و شعرای دوره صفویه و خاصه صائب بود، دانشجو که به شعر و ادب فارسی از هر دور و زمان عشق می‌ورزید و به تازگی با سبک هندی آشنا شده و سرگرم مطالعه و بررسی آن بود به دفاع از نظریات خود پرداخت و استادان نیز به شیوه دیرین و پیوستگی و وابستگی خاص به سبک متقدمان کوشش داشتند شاگرد گستاخ و فضول را متقاعد کنند و از اصرار در نظریه خود بازدارند، این جلسه که موجب حیرت دانشجویان دیگر شده بود مدت یک ساعت و نیم به طول انجامید، در اینجا از ذکر مطلبی ناگزیرم، در طول چهل و دو سال تدریس مستمر همواره مشوق شاگردان خود بوده‌ام و هر جا ذوق و استعدادی دیده‌ام بر برانگیختن و باروری آن همت گماشته‌ام این مطلبی است که بی‌تردید مورد تصدیق و تأیید کسانی است که وقتی شاگرد من بوده‌اند و اینک هر یک در عرصه ادب فارسی از پیشگامان و نامداران روش خاص خود هستند من اگر در مورد امتحان خواه کتبی و یا شفاهی با شاگردی برخورد می‌کردم که در خود این شایستگی و توانایی را می‌دید که خلاف نظر معلم و بی‌اندیشه از عاقبت امر از نظریه خود دفاع کند و نشان دهد که در هر حال چیزی و مایه‌ای در چنته دارد بی‌تردید بهترین نمره را به او می‌دادم اما آن بزرگواران که به هر تقدیر خود را ریزه‌خوار خوان آنان می‌دانم نه به دلیل گستاخی و فضولی شاگرد بل احیاناً به دلیل پافشاری و دفاع وی از سبکی بزعم ایشان مبتذل و مباین با ذوق سلیم شاگرد خود را به حداقل نمره قبولی پاداش دادند خدایشان بیامرزاد و یادشان گرامی باد. و اما بار دوم گویا در سال ۱۳۲۲ یا ۲۳ که به گذراندن رشته ادبیات فارسی در دانشکده ادبیات اشتغال داشتم و از محضر یکی از آن دو استاد^۲ که ذکرشان رفت کسب فیض می‌کردم کتاب «اشعار برگزیده صائب» که

۱. زنده‌یادان استادان مرحوم ملک‌الشعراء بهار و مرحوم بدیع‌الزمان فروزانفر.

۲. مرحوم استاد بدیع‌الزمان فروزانفر.

محصول بررسی و اعتقادات ادبی من بود به چاپ رسیده بود، نسخه‌ای از آنرا خاضعانه به استاد گرانقدر خود تقدیم نمودم، چندی گذشت، در پایان سال یا وقتی دیگر که درست به خاطر ندارم موضوع رسالهٔ دوست عزیز و دیرین آقای دکتر احسان یارشاطر به راهنمایی استاد مطرح بود و من در آن جلسه حضور داشتم آقای یارشاطر ضمن دفاع از رسالهٔ خود که موضوع آن ادبیات فارسی در عصر شاهرخ بود به شیوهٔ معهود و معمول یعنی همان شیوه‌ای که در طول تحصیل از استادان خود فرا گرفته بود به سختی بر ادبیات دورهٔ صفویه تاخت و آن دورهٔ طولانی را دروهٔ انحطاط نامید، ناگهان استاد خلاف انتظار همهٔ حاضران به تندری بر وی برآشفتم و بانگ برآورد «چگونه به خود جرأت می‌دهی شعر و شاعری دو قرن از دوران طولانی ادب فارسی را گستاخانه محکوم کنی و نام انحطاط بر آن نهی» وقتی جلسه به پایان رسید یکی از دوستان^۱ که از آغاز در جریان امر قرار داشت روی به من کرد و گفت: دیدی استاد چه گفت، فکر نمی‌کنی مطالعهٔ کتاب تو در این امر بی‌تأثیر نبوده است. گفتم امید که چنین باشد و از قدیم گفته‌اند که سخن حق را از هر کس و در هر مقام که هست باید شنید و به سمع رضا و قبول پذیرفت، باری نظرم از ذکر این خاطره نه خودستایی بل بیان این نکته است که سختگیری و تعصب در هیچ امری خاصه در مباحث ادبی و علمی پسندیده نیست و ناآشنایی در مسایل موجب گمراهی و داوریهای نادرست می‌شود نخست باید بی‌طرفانه به بررسی موضوع پرداخت و آنگاه به داوری نشست، با تأسف می‌بینیم که هنوز پاره‌ای از شعر دوستان و سخن‌سنجان بنا به سنت معهود و به پیروی از تذکره‌نویسان و ادیبان عصر قاجار با احساسی مخالف و نظری نامساعد به شعر دوران صفویه می‌نگرند، چه نیکوتر که به گفتهٔ صائب اهل سخن بر سر انصاف آیند و بی‌هوده مشام جان را به استبداد رأی از رایحهٔ دلاویز گل‌های نغز که در بوستان پر گل و ریحان این دسته از شاعران به فراوانی یافت می‌شود محروم ندارند. به راستی او خود چه خوش گفته است:

تا صائب ما بر سر گفتار بیاید ای اهل سخن بر سر انصاف بیاید

در مورد کتاب حاضر که با همه تغییرات در واقع چاپ دوم کتاب «اشعار برگزیدهٔ صائب» است کوشش شده است نقائص چاپ اول تا جایی که در حیطة استعداد فراهم آورندهٔ آنست برطرف شود. از جمله در مقدمهٔ مفصل آن حک و اصلاحی به عمل آمده و جای به جای از افادات و افاضات ممتع استاد امیری فیروزکوهی در حواشی و ذیل صفحات استفاده شده است، در مورد متن نیز اشعار هر ردیف که تنها به حرف آخر آن اکتفا شده بود با رعایت دو سه حرف ما قبل آخر ترتیب تازه‌ای یافته است تا مراجعه به آن و یافتن بیت مورد نظر بی‌اشکال انجام گیرد، امید که این خدمت مخلصانه و چاپ و انتشار مجدد کتاب نه از جهت کوشش چندین رسالهٔ

۱. یادش بخیر مرحوم مسعود رجب‌نیا که اخیراً به رحمت ایزدی پیوست.

مجاهدتی که به منظور تجلیل و شناساندن و هر چه بیشتر مقام والای این شاعر گرانقدر به عمل آمده است مورد تقدیر و عنایت دوستداران شعر و ادب فارسی قرار گیرد*.

انتشارات حقیقت منتشر کرده است:

- آشنایی با عرفان و تصوف / دکتر حاج نور علی تابنده / ۹۴ ص / ۵۰۰ تومان
 - رهبران طریقت و عرفان / حاج میرزا محمد باقر سلطانی گنابادی / ۲۷۰ ص / ۲۵۰۰ تومان
 - شریعت، طریقت و عقل / دکتر حاج نور علی تابنده / ۶۰ ص / ۵۰۰ تومان
 - داستانها و پیامهای مثنوی / دکتر حشمت‌الله ریاضی / به اهتمام حبیب‌الله پاک‌گوهر / ۴۶۵ ص / ۴۰۰۰ تومان
 - خانواده / حاج نور علی تابنده / ۶۱ ص / ۵۰۰ تومان
 - مرآة‌الحق / حاج محمد جعفر کبودرآهنگی / تصحیح و تحقیق: دکتر حامد ناجی اصفهانی / ۷۱۰ ص / ۷۰۰۰ تومان
 - نخبة‌العرفان من آیات القرآن و تفسیرها (تطبیق اشعار مثنوی و کلیات شمس با قرآن کریم) / هادی حائری / ۳۰۳ ص / ۲۷۰۰ تومان
 - مجموعه مقالات درباره شاه سید نعمت‌الله ولی / گردآوری و تدوین شهرام پازوکی / ۲۷۶ ص / ۲۵۰۰ تومان
 - مقایسه انسان فرمند در شاهنامه با ولی در مثنوی / معصومه امین دهقان / ۲۳۰ ص / ۱۷۰۰ تومان
 - عرفان ایران (مجموعه مقالات) جلد هجدهم / گردآوری و تدوین دکتر سیدمصطفی آزمایش
- انتشارات حقیقت — تهران — خیابان گاندی — خیابان نهم — پلاک ۲۴
- تلفن ۸۷۷۲۵۲۹ — فاکس ۸۷۹۱۶۵۲ مرکز پخش ۵۶۳۳۱۵۱